



دکتر بنواست، محقق و دانشمند فرانسوی و دارای دکترای طب که پس از کند و کاوهای علمی به دین اسلام گروید، گوید: «در قرآن، آیاتی دیده می‌شود که با گذشت سیزده قرن، با آخرین اکتشافات علمی امروز تطبیق می‌کند. این موضوع مرا قانع ساخت و موجب آن شد که به یگانگی خدا ایمان آورده، به نبوت حضرت محمد ﷺ و حقیقت اسلام اقرار کنم. ... من یک دکتر در طب هستم... درباره زندگی مادی بشر، اسلام هیچ فرو گذار نکرده و به نظر من یگانه دینی است که با

بازگو کننده حقایق علمی هر چند قرآن کتاب علمی نیست، ولی به مناسبت‌های گوناگون از حقایق علمی و قوانین طبیعی سخن گفته است؛ حقایقی که در صدر اسلام و قرون متمادی بعد از آن، برای غالب افراد بشر حتی بسیاری از روشنفکران و اهل تحقیق پوشیده بود؛ ولی رفته رفته دستاوردها و اکتشافات علمی، اندکی از آن را آشکار ساخت و پرده از رخ آن برداشت و همین ویژگی قرآن باعث شده که نخبگان و دانشمندان سر تعظیم در مقابل آن فرود آورند و به شکوه و عظمتش اعتراف کنند:

طبیعت بشر سازگار است.»<sup>۱</sup>

دکتر گرینه، محقق و دانشمند فرانسوی و عضو مجلس وکلا که از طریق تدبیر در قرآن کریم به اسلام گرایید، وقتی از او دربارهٔ مسلمان شدنش پرسش کردند، گفت: «آیات قرآنی را به دقت مطالعه کردم و از این کتاب، حقایق و مطالب علمی بسیاری بر من کشف شد که با علوم طبیعی و بهداشت و علم پزشکی امروز به طور دقیق تطبیق می‌کرد و از همین رو، من یقین کردم محمد ﷺ از روی حقیقت، پیغمبر بر حق است؛ زیرا این کتاب را متجاوز از هزار سال قبل برای مردم آورده که در آن روز ابداً اطلاعی از کشفیات علوم جدید در دسترس کسی نبوده است.»<sup>۲</sup>

**گوستاو لوبون** می‌نویسد: «اسلام برای اکتشافات علمی از هر دینی مناسب‌تر و ملایم‌تر است.»<sup>۳</sup>

**فردریش دیترسی**، خاورشناس مشهور آلمانی (۱۸۲۱-۱۹۰۳ م) گوید: «علوم طبیعی، ریاضی، فلسفه و ستاره‌شناسی که در قرن دهم، اروپا را جلو برد، سرچشمهٔ آنها قرآن

محمد ﷺ می‌باشد و اروپا به آیین محمد ﷺ بدهکار است.»<sup>۴</sup>

### برتری قرآن و آیین اسلام نسبت

#### به دیگر کتابهای مقدس و آیین‌ها

به نظر عموم مسلمانان و اهل تحقیق - و حتی پاره‌ای از خاورشناسان - کتابهایی چون انجیل و تورات و داده‌های آنها قابل مقایسه با معارفی که رسول الله ﷺ در قالب قرآن مجید و سنت خویش ارائه فرموده، نیست؛ زیرا در هر بعدی از ابعاد زندگی انسان نقش آفرینی دارد و در معضلات و بحرانها راهگشاست و نیکبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین می‌کند و دست‌کم باعث می‌شود انسان در جامعه، حیات سالم و سازنده‌ای داشته باشد و به کسی ظلم و ستم نشود و عوامل رشد و تکامل برای هر قشری فراهم گردد.

۱. ر. ک: چرا مسلمان شدم، به نقل از: فرهنگ اسلام شناسان خارجی، ج ۱، ص ۱۶.
۲. ر. ک: التکامل فی الاسلام، ج ۳، به نقل از: فرهنگ اسلام شناسان خارجی، ج ۱، ص ۱۹۱.
۳. تمدن اسلام و عرب، ص ۱۴۳.
۴. محمد ﷺ عند علماء الغرب، ص ۹۲، به نقل از: اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۵۱.

چنین نوشته است: «اما کتاب چهارم که مهم‌ترین کتاب دنیاست، قرآن می‌باشد؛ زیرا این کتاب آسمانی چنان در دنیا تأثیر کرده که هیچ کتاب دیگری آن تأثیر را به خود ندیده است. این کتاب بهترین راهنمای یک عقیده قلبی، یعنی توحید و یکتاپرستی و اخلاق فاضله است و بزرگ‌ترین کتابی است که دشمن بت‌پرستی و مخالف نظام کشیشی و سه‌گانه پرستی (مسیحی) می‌باشد.»<sup>۲</sup>

همو در جایی دیگر گوید: «هر کس بخواهد دینی انتخاب کند که با تمدن بشر پیش برود، باید دین اسلام را انتخاب کند و اگر بخواهد معنی دین را بفهمد، باید به قرآن مراجعه کند.»<sup>۳</sup>

ادوارد براون (متوفای ۱۹۲۶ م) می‌نویسد: «تاریخ ایران نشان می‌دهد که ملت ایران دین زردشت را از روی رضا و رغبت رها کرد و با کمال رغبت

ارائه نظریات مشرق شناسان در برتری قرآن بر سایر کتابهای به ظاهر مقدس در تثبیت بیشتر این باور اولیه مؤثر است:

**کارلایل (۱۷۹۵ - ۱۸۸۱ م)** گوید: «گرچه به نظر فلسفی، تعلیمات روحی و ادبی حضرت محمد ﷺ صورت کاملی از تعلیمات روحی و ادبی حضرت مسیح ﷺ می‌باشد، لیکن اگر به دقت به سرعت تأثیر تعلیمات اسلام به دلها و توافقی آن با فطرت انسانی بنگریم، یقین خواهیم کرد که اسلام یا آیین حضرت محمد ﷺ بهتر از آن مسیحیتی بود که ساخته او هام و خیالات و افکار پیروان خود بود؛ زیرا که عنصر فروزنده آیین تعلیمات مسیح ﷺ در پس ابرهای دروغ و او هام پنهان بود.»<sup>۱</sup>

**هربرت جورج ولز (H.G.Wells)**

(۱۸۶۶ - ۱۹۴۶ م) در پاسخ این سؤال از ناحیه یکی از مجلات علمی اروپا که بزرگ‌ترین کتابی که از آغاز تاریخ بشر تاکنون بیشتر از سایر کتب در دنیا تأثیر بخشیده و از همه مهم‌تر است، کدام می‌باشد؟ چند کتاب را نام برده و سپس

۱. اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، پروفیسور نصر الله نیک بین، شرکت سهامی سیمان فارس و خوزستان، دورود، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۴۳.

۳. همان، ص ۴۴.

مسیحیت برتر بود. در آیین او هرگز یک مرد یهودی را به خدایی نگرفتند و یک زن یهودی را مصاد خدا ندانستند.<sup>۵</sup>

همو در جایی دیگر در برتری اسلام و قرآن که شریکی برای خداوند قرار نداده و از ادیان مسیحی و آیین‌هایی که به این رویکرد منفی دچارند، متمایز می‌باشد و در عین سادگی بر پایه اصول عقلانی استوار است، گوید: «دین حضرت محمد ﷺ، دینی است معقول و جدی و پاک و دوستاندار بشریت. معقول است؛ زیرا هرگز به جنون شرک گرفتار نشد و برای خدا همدست و همانند نساخت و اصول خود را بر پایه اسراری متناقض و دور از

دین اسلام را انتخاب نمود... ماکه یک نفر خارجی هستیم و نه مسلمانیم [و] نه زردشتی، وقتی قرآن را جلویمان بگذاریم، می‌بینیم [هیچ کتابی] اصلاً با قرآن قابل مقایسه نیست... ایرانیان که کور نبودند. از یک طرف، قرآن را می‌دیدند و از طرف دیگر، کتاب زردشت را مشاهده می‌کردند که این دو قابل مقایسه نیستند. قهرماً قرآن را انتخاب می‌کردند.»<sup>۱</sup>

وی در جایی دیگر در مقایسه قرآن با اوستا گوید: «هر چه بیشتر به مطالعه قرآن می‌پردازم و هر چه بیشتر برای درک روح قرآن کوشش می‌کنم، بیشتر متوجه قدر و منزلت آن می‌شوم. اما بررسی اوستا ملالت‌آور و خستگی‌افزا و سیرکننده است.»<sup>۲</sup>

**دکتر هوگو حمید ماکوس گوید:**

«اسلام، جوان‌ترین<sup>۳</sup> ادیان نوع بشر است. به علاوه، مدرن‌ترین همه آنها، یعنی پیشروترین و جلوترین همه می‌باشد.»<sup>۴</sup>

**ولتسر (۱۶۹۴ - ۱۷۷۸ م) گوید:**

«خداپرستی [ای] که حضرت محمد ﷺ آورد، بدون تردید از

۱. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۱، ص ۱۸۰.

۲. تاریخ ادبی ایران، ترجمه علی پاشا صالح، ص ۱۱۵، به نقل از: نقد آثار خاورشناسان، ص ۲۰.

۳. ظاهراً منظور وی از «جوان‌ترین» شادابی و تازگی و فرسوده نشدن آن است که در سایر ادیان و آیینها این ویژگی به چشم نمی‌خورد.

۴. اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۵۷.

۵. اسلام از نظر ولتسر، ص ۹۰، به نقل از: اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۶۹.

تحصیل کرده در دانشگاه نیویورک که به دین اسلام مشرف شده، گوید: «اسلام، تنها دینی است که من آن را از خرافات منزجر کننده، خالی دیده‌ام».<sup>۵</sup>

**هربرت جورج ولز** گوید: «اسلام تنها دینی است که هر بشر شرافتمندی می‌تواند به داشتن آن افتخار ورزد... تنها دینی که من دریافته‌ام و بارها گفته‌ام که از سیر خلقت آگاه است و باراز آفرینش آشنا و همه جا با تمدن همراه است، دین اسلام می‌باشد».<sup>۶</sup>

همو در جایی دیگر گوید: «اسلام... از پیچیدگیهای لاهوتی که مدت‌ها مایه درد سر مسیحیت بود و سرانجام حقیقت، آن را از میان برد، برکنار است».<sup>۷</sup>

ولز، دانشمند مشهور بریتانیایی گوید: «قرآن کتابی است بس بزرگ و مقدس؛ زیرا

عقل استوار نکرد...»<sup>۱</sup>  
ولتر در فرازی دیگر در این باره که رواج آیین اسلام در پرتو حقانیت آن بوده، اما مذاهب دیگر با رویکرد عوام فریبانه ترویج یافته‌اند، گوید: «تمام مذاهب روی زمین... با عوام‌فریبی رواج یافته‌اند، به جز آیین بسیار درخشان اسلام که از میان تشکیلات انسانی تحت حمایت خدا به وجود آمده [و منتشر شده] است».<sup>۲</sup>

ولتر در جایی دیگر گوید: «هیچ کس قرآن را با دقت نمی‌خواند، مگر آنکه می‌بیند حقایقی اصیل در برابر وی آشکار است و در می‌یابد که این کتاب، وابسته به اصلی حقیقی و پیوسته به یک مبدأ عالی و مقدس است و تردیدی نیست که گفتار حقیقی و درست، نفوذ خاصی بر دلها دارد و حق آن است که تمام کتابها در برابر قرآن، ناچیز و کوچک‌اند».<sup>۳</sup>

ژان ملیا (Jean melia) اسلام شناس فرانسوی و مترجم قرآن کریم در مقدمه ترجمه خود می‌نویسد: «اسلام، دین آسمانی و دین دوستی و عاطفه و شرف می‌باشد و در میان ادیان جهان، دینی آسان‌تر از آن، وجود ندارد».<sup>۴</sup>

بسانو مارگرت مارکوس آمریکایی،

۱. همان، ص ۱۲۷، به نقل از: اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۷۰ و ۷۱.  
۲. همان، ص ۹۷، به نقل از: اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۷۱.  
۳. قرآن و کتابهای دیگر آسمانی، هاشمی نژاد، ص ۲۹۹ و ۳۰۰، به نقل از: نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، ص ۳۵۴.  
۴. اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۷۵.  
۵. ر.ک: همان، ص ۹۵.  
۶. همان، ص ۹۹.  
۷. همان.

دعوت می‌کند، آن خدایی است که بر همه چیز مسلط و بالاتر از همه است. فرشتگان با قدسیان، اطراف او را نگرفته‌اند و این افتخار، تنها بهره اسلام است که نخستین دینی است که توحید را در جهان آورده و باید در این باره به خود ببالد.<sup>۳</sup>

چنان‌که از سخن گوستاولوبون پیداست، وی به تثلیث مسیحیت که نگرشی غیر موحدانه به حضرت حق است، خرده‌گیری نموده، و به صراحت دیدگاه توحیدی قرآن و اسلام را که مهم‌ترین رکن و پایه آن و برترین اصل اعتقادی آن است، تحسین کرده و آن را افتخاری منحصر به فرد برای این دین بر شمرده است.

معارفی که در قرآن مجید و کلاً آیین توحیدی اسلام بازگو شده، همواره جاذب و جالب قلبهای انسانهای مستعد بوده و هیچ‌گاه این ویژگی خود را از دست نداده است؛ اما مذاهب و کیشهای دیگر فاقد این

تأثیری که تعلیمات آن در عالم بخشیده است، هیچ کتابی قادر به این اعجاز بزرگ نبوده است.<sup>۱</sup>

**لرد هدلی** - که در پی تحقیقات و مطالعات خود، اسلام آورد - گوید: «من ایمان قطعی دارم که هر گاه بزرگ‌ترین متفکران و خردمندان اروپایی برای پیدا کردن دینی دور هم جمع می‌شدند که از روی اصول منطق جهانی و احساسات عمومی بنا شده باشد و کمتر از ادیانی هم نباشد که به وسیله پیغمبران خدایی به مردم رسیده است، مسلماً به اتفاق آراء دین اسلام را اختیار می‌کردند. ... اسلام همان‌گونه که به تمایلات روحی و معنوی توجه دارد، خواسته‌های جسمی را نیز فراموش نکرده است. از طرف دیگر، انسان را از کشیش مآبی و سایر گرفتاریهای شاق نیز آزاد کرده است...»<sup>۲</sup>

**گوستاو لوبون** گوید: «ما چون به قواعد و عقائد اساسی قرآن مراجعه کنیم، ممکن است اسلام را صورت آشکاری از مسیحیت بدانیم؛ ولی با این حال، اسلام با مسیحیت در بسیاری از مسائل اصولی اختلاف نظر دارد؛ به ویژه درباره توحید...؛ زیرا آن خدای یگانه که اسلام، مردم را بدان

۱. فرهنگ اسلام شناسان خارجی، ج ۲، ص ۶۱۱.

۲. اسلام شناسی غرب، ص ۱۲۸، به نقل از: همان، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۳. تمدن اسلام و عرب، ص ۱۴۱.

برجستگی هستند و بلکه روز به روز از شدت تأثیر شان کاسته می‌شود. گوستاولوبون در این باره گوید:

«تحولات زمان در دین اسلام هیچ گونه تغییری نداد و همان نفوذ و تأثیر را در دلها دارد؛ با اینکه دینهای پیشین روز به روز از قدرت و نیرویشان کاسته می‌شود.»<sup>۱</sup>

**جان دیون پورت** گوید: «در قرن ششم مسیحی، محمد ﷺ در شرق ظهور کرد و دین خودش را بنیاد گذارد... برای یک نفر مشرک کنجکاو، این دین و تعلیمات آن با جنبه‌های انسانی و خاصیت ملکوتی به نظر می‌رسد؛ پاک‌تر و صادق‌تر از طریقه زردشت، آزادتر و آزادی بخش‌تر از قانون موسی ﷺ.»<sup>۲</sup>

همو در جایی دیگر می‌نویسد: «قرآن طبق تحقیقات «کومب» با انجیل فرق دارد؛ زیرا انجیل دارای مکتب و روش فقاهتی نیست؛ بلکه به طور کلی محتویات آن (قرآن) مرکب از قصص و روایات و بیانات و تحریض و ترغیب بشر در نشر عواطف و احساسات عالی و فداکاری و دارای اخلاقیات بسیار صحیح است و هیچ نوع عامل و رابطه منطقی جالب و جاذبی که این

معانی را با یکدیگر ربط دهد، در انجیل وجود ندارد.»<sup>۳</sup>

او سپس اظهار می‌دارد: «قرآن مانند انجیل نیست که فقط به عنوان میزان و شاخص درباره عقائد دینی و عبادت و عمل پیروان آن شناخته شده است؛ بلکه دارای مکتب و روش سیاسی نیز هست... کلیه مسائل حیاتی و مالی با اجازه همین منبع و مصدر قانونگذاری حل و تصفیه می‌شود.»<sup>۴</sup>

ادب قرآن و لحن تکریمی و تعظیمی آن نسبت به حضرت حق و منزله داشتن خداوند از صفات مذموم، از دیگر برجستگیهای قرآن نسبت به کتب دیگر ادیان و کیشهای غیر اسلام است. دیون پورت در این خصوص هم می‌گوید:

«در میان محسنات زیادی که قرآن، به حق واجد آن است، دو نکته بسیار مهم و قابل توجه وجود دارد: یکی لحن تعظیم و تکریمی است که هر وقت نام خدا به بیان

۱. همان، ص ۱۴۳.

۲. عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن،

ترجمه غلامرضا سعیدی، ص ۱۲۰.

۳. همان، ص ۹۹.

۴. همان.

به تحقیق و تفحص پرداخت. وی در کتابی به نام «Mahome danism» با اشاره به وجود مطالب ساختگی و نیرنگ بازی در کتابهای غیر مسلمانان، به برتری و حقانیت قرآن این گونه اذعان کرده است: «هیچ موردی در قرآن پیش نیامده که در آن مطلب ساختگی یا نیرنگی به کار رود و همین، امتیازی است که آن را نسبت به آثار مذهبی دیگر متمایز می‌سازد.»<sup>۴</sup>

**گورناناک (۱۴۶۹ - ۱۵۳۹ م) تأسیس**  
کنندهٔ آیین سیک که پیرامون زندگانی پیامبر اسلام ﷺ و دین آن بزرگوار و قرآن کریم پژوهشهایی داشته، تاریخ مصرف بهره‌وری از دیگر کتابهای مذهبی را به سر آمده، عنوان کرده، می‌گوید: «دوران کتابهای مذهبی دیگر گذشته و تعلیمات قرآن باید دنیا را اداره کند.»<sup>۵</sup>

کار لایل در کتاب «در باب قهرمانان، قهرمان پرستی و قهرمانی در تاریخ» گوید: «کلامی که این مرد [یعنی حضرت

می‌آید یا بحثی از وجود باری تعالی طرح می‌شود، ابراز می‌دارد و هیچ‌گاه صفات نقص و جنبه‌های اغراض و هواجس نفسانی را به او نسبت نمی‌دهد.

دیگر اینکه هیچ نوع فکر یا بیانی یا داستانی مخالف تقوا یا حاکی از سوء اخلاق و بی‌عفتی و عدم طهارت و امثال آن در قرآن وجود ندارد که آن را معیوب و لکه‌دار کند؛ در صورتی که با کمال تأسف، این نواقص در موارد بسیار زیادی در کتب یهود دیده می‌شود. در حقیقت، قرآن به اندازه‌ای از این نواقص انکارناپذیر مبرا و منزه است که نیازمند کوچک‌ترین تصحیح و اصلاحی نیست.»<sup>۱</sup>

**دین استانی، روحانی برجسته**  
مسیحی که تحقیقاتی پیرامون اسلام و مطالعات دقیقی دربارهٔ قرآن داشت، در کتاب «Eastern church» (کلیسای شرقی) گوید: «بدون شک تأثیرات معنوی مجمع قوانین قرآن عمیق‌تر و شایسته‌تر از کتاب مقدس مسیحیان است.»<sup>۲</sup>

**کومب (۱۸۸۱ - ۱۹۶۲ م) قرآن را**  
برای آموزش تعالیم، پاک و شایسته و برازنده‌تر از دیگر کتب دینی دانسته است.<sup>۳</sup>  
**بازانتا گومارین، سالها دربارهٔ قرآن**

۱. همان، ص ۱۱۱.

۲. ر.ک: فرهنگ اسلام شناسان خارجی، ج ۲،

ص ۵۱۹.

۳. ر.ک: همان، ص ۵۱۶.

۴. ر.ک: همان، ص ۵۱۳.

۵. همان، ص ۵۳۹.



در صحت و تازگی و درستی، بر صحف  
یهود و مسیحی امتیاز و رجحان دارد.<sup>۴</sup>  
**توماس واکر آرنولد** (Thomas  
Waker arnold، متوفای ۱۹۳۰ م) ضمن  
بیان اصول ساده و غیر قابل تشکیک اسلام  
و جذابیت آن می‌نویسد: «...وقتی... به طرز  
غیر مترقبه از بیابان عربستان خیر ظهور  
پیام و دین جدید منتشر شد، این مسیحیت  
شرقی غیر مشروع - که در اثر اختلافات  
داخلی متلاشی شده و اساس اعتقاداتش را  
از دست داده بود - نتوانست دیگر در برابر  
جذابیت دین جدید که در همان وهله اول  
توانست تمام شکوک و تردیدهای ناراحت  
کننده را زایل کند و موفق شد علاوه بر  
عقائد و اصول ساده و آسان و غیر قابل  
تشکیک، امتیازات مادی فراوانی را نیز  
عرضه دارد، مقاومت کند.»<sup>۵</sup>

محمد ﷺ در پرتو قرآن [بر زبان جاری  
ساخت، طی این هزار و دویست سال  
تاکنون رهنمون زندگی صد و هشتاد  
میلیون<sup>۱</sup> انسان بوده است.

در این ساعت، شمار بیشتری از  
آفریدگان خدا به کلام محومت  
(محمد ﷺ) اعتقاد دارند تا هر سخن  
دیگری، هر آنچه که باشد.<sup>۲</sup>

#### هنری کامت دُبولاینوس یلیرس

(H. c. deboulainvilliers) در کتاب  
«زندگی ماحومد» که در پاریس به سال ۱۷۳  
م منتشر شد، گوید: «اسلام بر خلاف  
مسیحیت یک دین فطری برخاسته از  
طبیعت است و فقط بر پایه الهامات الهی  
پایه ریزی نگردیده است و این خود  
بزرگ‌ترین امتیاز اسلام است.»<sup>۳</sup>  
ظاهراً منظور نویسنده آن است که

اسلام به نیازهای فطری انسان توجه  
شایانی کرده و فقط یک فرایند الهی و فوق  
طبیعی غیر مرتبط با انسان نیست و این  
همان نکته ناهنجار و وصله ناجوری است  
که در برخی از ادیان و مذاهب تحریف  
شده به چشم می‌خورد.

**جان بی ناس** می‌نویسد: «...کشور  
عرب دارای کتابی آسمانی گردید؛ کتابی که

۱. این ارقام و آمار مزبور مربوط به زمانی است  
که کار لایل کتاب خویش را تحریر کرده است.
۲. ر. ک: محمد ﷺ در اروپا، مینو صمیمی،  
ترجمه مهر پویا، اطلاعات تهران، ۱۳۸۱، ص  
۳۲۳.
۳. زندگانی پیامبر اسلام محمد ﷺ، کارن  
آرمسترانگ، ترجمه حشمتی، ص ۴۱.
۴. تاریخ جامع ادیان، جان بی ناس، ترجمه علی  
اصغر حکمت، تهران، ۱۳۷۰ ش، ص ۷۱۹.
۵. تاریخ گسترش اسلام، ص ۵۳ و ۵۴، به نقل  
از: نقد آثار خاور شناسان، ص ۸۳.